

تأثیرپذیری فردوسی در باره‌ی ماهیت دنیا از نهج البلاغه

دکتر محمد شفیعی<sup>۱</sup>

Email:Shafee 7959@Yahoo.com

#### چکیده

نهج البلاغه بخاطر داشتن بار معنایی عمیق و برخورداری از زیبایی‌های لفظی و معنوی غیر قابل وصف، همواره الگوی مناسبی برای بسیاری از شاعران و ادیبان بوده و هست. یکی از نام‌آوران علم و ادب که در سروده‌های خویش از این کتاب ارزشمند در موضوعات گوناگون، فراوان استفاده نموده، حکیم طوس است. در نهج البلاغه مباحث زیادی پیرامون ماهیت دنیا مطرح شده که مورد استناد شاعر قرار گرفته است. برخی اوصاف دنیا در سخنان امام علی (ع) عبارتست از: ناپایداری، سرشار از رنج و گرفتاری، محل آزمون و امتحان، سرای پند و عبرت، مکانی برای توشه برداشتن، و... که بیان آنها در دیوان شاعر متجلی است. تلاش مقاله بر این است تا تنیدگی و اثرپذیری شاهنامه را در بحث دنیا از نهج البلاغه تبیین نماید.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، شاهنامه، سرای سپنج، عبرت، توشه، تقوی

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>: گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

انّ الدنيا لم تخلق دار مقام بل خلقت لكم مجازاً

لتزودوا منها الاعمال الى دار القرار. همان ،  
(خطبه ۱۳۲)

دنيا آفريده نشده كه سراى ماندن شما باشد بلكه آفريده شده كه گذرگاه شما باشد تا از آن براى سراى ماندگارى تان توشه عمل بگيريد. فردوسى با الهام از نهج البلاغه، گذرا بودن دنيا و قرارگاه بودن آخرت را با عباراتى متنوع مورد تأكيد قرار مى دهد.

ترا شهريارا جز اينست جاى

نماند كسى در سپنجى سراى فردوسى (ص ۵۴۸)

نزويد جز از مرگ را جانور

سراى سپنجست و بر ما گذر(همان، ص ۱۵۷۹)

همى بگذرد بر تو ايام تو

سرايى جزين باشد آرام تو (همان ص ۲۸۸)

چنينست رسم سراى سپنج

نمانى در او جاودانه مرنج(همان ص ۸۳۶)

هم اين چرخ گردون بر او بگذرد

چنين داند آن كس كه دارد خرد(همان ص ۱۰۹۷)

نماند بر اين خاك جاويد كس

ترا توشه از راستى باد و بس(همان ص ۱۴۰۵)

فراز و نشيب در زندگى دنيا

معمولاً چنين نيست كه انسان تمام عمر خود و سرتاسر دوران زندگى خويش را با مرض و بدبختى سپرى سازد و تمام عمر در بدبختى و ناكامى به سر برد بلكه هر كسى هم خوشى و هم ناخوشى داشته و خواهد داشت. به يقين اگر انسان خوب بينديشد از مجموع اين تحولات و دگرگونى ها دو نکته را به دست مى آورد و براى هميشه در نظر خواهد داشت:

ظهور آيات و مفاهيم قرآنى و احاديث و روايات در شعر و ادبيات، قبل از هر چيز بيانگر تأثير متون دينى بر ادبيات فارسى و عربى مى باشد. نويسندگان و شاعرانى كه با فرهنگ و معارف دينى مأنوس بوده اند، سعى و تلاش آنها اين بوده تا با وارد نمودن مضامين دينى، در هنر خود، غنايى خاص به آنها بخشند. در ميان متون دينى تأثير نهج البلاغه بر ادبيات فارسى و عربى، امرى كاملاً مشهود است، به نحوى كه مى توان گفت برخى از متون ادبى، تفسيرى از اين كتاب ارزشمند است. از جمله اين متون شاهنامهى فردوسى است كه به جرأت مى توان ادعا كرد، در بيان مضامين والاي دينى، ارزشى، اخلاقى، حكمى، مرهون سخنان امام على(ع) مى باشد و كمتر صفحه اى از كتاب حكيم طوس را مى توان پيدا كرد كه متأثر از كتاب شريف نهج البلاغه نباشد. در اين نوشتار ميزان تأثيرپذيرى شاهنامه در مبحث دنيا از اين كتاب ارزشمند مورد بحث و بررسى قرار گرفته است.

### دنيا گذرگاه و آخرت قرارگاه

جهان بينى اسلامى كه بارها در قرآن و نهج البلاغه آمده است دنيا را يك گذرگاه، يك پل، يك ميدان تمرين، رانجام يك بازار تجارت و مقدمه اى براى آخرت كه جاىگاه اصلى انسان است، معرفى مى كند و اگر با اين ديده گاه به دنيا بنگريم همه چيز در نظر ما رنگ ديگرى به خود مى گيرد و ما را از آلودگى به گناه و ظلم و ستم باز مى دارد و به سوى نيكي ها دعوت مى كند. (مكارم شيرازى ۱۳۸۲، ج ۵، ص ۴۴۵)

الدنيا دار ممر لا دار مقر. (نهج البلاغه، حكمت ۱۳۳)

دنيا خانه گذر است نه خانه اقامت.

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

۱. خوشی ها و کامیابی های دنیوی موقت است و نباید به آنها مغرور شد.
۲. ناخوشی ها و ناکامی ها و شکست های دنیوی نیز موقت است و روزی تمام خواهد شد لذا نباید مأیوس گردید. بنابراین به خوشی های زودگذر و موفقیت های موقت و کامیابی های گذرای این دنیا نباید مغرور شد. (مصباح یزدی ۱۳۸۰ ص ۷۲) امام علی (ع) در این خصوص می فرماید: لا ینبغی للعبد ان یثق بخصلتین : العافیة و الغنی، بینما تراه معافی اذ سقم و بینما تراه غنیاً اذا افتقر. ( نهج البلاغه، حکمت ۴۲۶).
- شایسته نیست که انسان به دو خصلت اطمینان کند : سلامت و ثروت، چرا که دیده شده انسان تندرست ناگاه بیمار و شخص ثروتمند یکباره فقیر و مستمند شده.
- و من غیرها آنک تری المرحوم مغبوطاً و المغبوط مرحوماً لیست ذلک الاّ نعیماً زلّ و بؤساً نزل. ( همان ، خطبه ۱۱۴)، و از دگرگونی های دنیا این است که آن کس که ( دیروز) مورد ترحم مردم بود ( امروز ) مورد غبطه واقع می شود و آن کس که مورد غبطه بود مورد ترحم قرار می گیرد، این نیست مگر به خاطر نعمتهایی که به سرعت دگرگون می شود و بلاهایی که ناگهان نازل می شود.
- اما بعد، فانک لست بسابق اجلک و لا مرزوق ما لیست لک و اعلم بانّ الدهر یومان یوم لک و یوم علیک، و انّ الدنیا دار دول فما کان منها لک اناک علی ضعفک و ما کان منها علیک لم تدفعه بقوتک. ( همان، نامه ۷۲). اما بعد تو بر اجل و سرآمدت پیشی نمی گیری و آنچه روزی تو نیست قسمت تو نمی گردد. بدان دنیا دو روز است : روزی به سود تو و روزی به زیانت. دنیا خانه‌ی متغیر و پر تحولی است. آنچه از منافع قسمت توست به سراغ تو می آید، هر چند ضعیف باشی و آنچه هم بر زیان توست گریبانت را می گیرد هر چند قوی باشد و قدرت دفع آن را نخواهی داشت.
- زمانه به یکسان ندارد درنگ  
گهی شهد و نوش است و گاهی شرنگ (فردوسی ص ۸۵)
- چنین است کردار گردون پیر  
گهی چون کمان است و گاهی چو تیر (همان ص ۱۸۷)
- برینسان گذر کرد خواهد سپهر  
گهی پر ز خشم و گهی پر ز مهر  
( همان ص ۳۲۱)
- چنین است رأی سپهر بلند  
گهی شاد دارد گهی مستمند  
( همان ص ۳۵۳)
- چنین است رسم سرای فریب  
گهی در فراز و گهی در نشیب  
( همان ص ۵۴۷)
- بپیروزی اندر بترس از گزند  
که یکسان نگردد سپهر بلند  
( همان ص ۹۷۷)
- چنین است کردار گردنده دهر  
گهی نوش یابیم ازو گاه زهر (همان ص ۹۷۸)
- گهی گنج بینیم ازو گاه رنج  
بر آید بهار بر سرای سپنج (همان ص ۱۶۶۰)
- نه روز بزرگی نه روز نیاز  
نماند همی بر کسی بر دراز (همان ص ۱۸۴۴)
- حکیم طوس، فراز و نشیب را با عباراتی نظیر شهد و شرنگ، کمان و تیر، خشم و مهر، شاد و مستمند، نوش و

- زهر، گنج و رنج بیان می کند و اظهار می دارد هیچ یک از این حالات برای انسان همیشگی نیست.
- دنیا مجموعه‌ی اضداد**
- فرمول اصلی آفرینش جهان تضاد است و دنیا جز مجموعه ای از اضداد نیست. هستی و نیستی، حیات و موت، بقا و فنا، سلامتی و بیماری، پیری و جوانی و بالاخره خوشبختی و بدبختی در این جهان توأمند. و به قول سعدی: « گنج و مار و گل و خار و غم و شادی بهمند ». (مطهری، ۱۳۸۷ ج ۱ ص ۱۸۸). امام علی اشاره دارد که همواره اضداد موجود در دنیا جزء لا ینفک ساختمان این عالم است و این مطلب را در نهج البلاغه مورد تأکید قرار داده است:
- سلطانها دول، و عیشها رنق، و عذیبا اجاج، و حلوها صبر، و غذاؤها سمام، و اسبابها رمام، حیثها بعرض موت و صحیحها بعرض سقم، ملکها مسکوب، و عزیزها مغلوب، و موفورها منکوب، و جارها محروب. ( نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱).
- حکومت دنیا ناپایدار و همواره دست به دست می گردد، زندگی گوارایش ناگوار و شیرینی آن تلخ، غذای آن مسموم، و طنابهایش کهنه و پوسیده، زندگانش در معرض مرگ، تندرستیش در معرض بیماری، حکومتش بر باد است، نیرومندانش مغلوب، صاحبان نعمتش رو به فنا، و همسایگانش غارت زده اند.
- سرورها مشوب بالحزن و جلدالرجال فیها الی الضعف و الوهن.** ( نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳)
- شادی دنیا آمیخته با اندوه است و توان و استقامت مردان نیرومند در آن بر ضعف و سستی می گراید.
- لا تتالون منها نعمة الا بفراق اخری .** ( همان، خطبه ۱۴۵)
- به هیچ نعمتی از دنیا نمی رسید جز اینکه نعمت دیگری را از دست می دهید.
- چنین رفت بر سر ما روزگار

( فردوسی، ص ۳۳۰ )

برنجست گنج و بنامست رنج  
همانا که نامت به آید ز گنج

( همان ص ۴۰۳ )

نترسی ز رنج و ننازی به گنج

به گیتی ز گنجت فزونست رنج(همان ص ۸۳۸)

نگه کرد بر کار چرخ بلند

ز آسانی و سود و درد و گزند(همان ص ۱۲۱۳)

بدان ای پسر کاین سرای فریب

ندارد ترا شادمان بی نهیب

گذر جوی چندین جهان را مجوی

گلش زهر دارد به سیری مبیوی(همان ص ۱۴۶۶)

حکیم طوس با الهام از سخنان امام علی (ع) متضاد

بودن امور دنیا را متذکر می شود و بیان می کند رسیدن به

خوشی و راحتی و گنج، همراه با رنج ها و سختی های

فراوان است و پیوسته کار دنیا چنین است.

**عدم دلبستگی به دنیا**

منظور از قطع علاقه به دنیا، وابستگی شدید به مال و

مقام و همسر و فرزند است آن گونه وابستگی، که انسان را

از خدا غافل می کند و ارتکاب گناه را برای رسیدن به

دنیا آسان می سازد و زرق و برق ها را در نظر جلوه می

دهد. در این سفر پر خوف و خطر آخرت، انسان نیاز به

تکیه گاهی دارد که پیمودن این راه را برای او آسان می

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

سازد و تکیه گاهی بهتر از زاد و توشه‌ی تقوی نیست. ( مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ج ۶ ص ۲۷۵)

### فقطعوا علائق الدنيا و استظهروا بزاد التقوی (نهج

البلاغه خطبه ۲۰۴)

علائق و وابستگی های دنیا را از خویش کم کنید کمر خویش را با توشه‌ی تقوی محکم ببندید.

یکی پند گویم ترا من درست

دل از مهر گیتی ببايد شست (فردوسی ص ۷۵)

جهان را نمایش چو کردار نیست

کننده است، آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است.

زمانه بمرگ و بکشتن یکیست

وفا با سپهر روان اندکیست (فردوسی ص ۷۱۹)

چنین است رسم سرای بلند

چو آرام یابی بترس از گزند

تو را می و با تو جهان رام نیست

چو نام خورده آید به از جام نیست (همان ص ۱۲۹۳)

چنین است رسم سرای جفا

نباید کزو چشم داری وفا (همان، ص ۱۸۱۱)

به گیتی کسی را نماند وفا

روان و زیان ها شود پر جفا

چنین بی وفا گشت گردان سپهر

دژم گشت و زما ببرید مهر (همان، ص ۱۸۴۸)

گویی اشعار حکیم طوس تفسیری از سخنان امام علی (ع)

در باب بی وفایی دنیا است.

### دنیا سرای عبرت

در آموزه های دینی عبرت از گذشته و گذشتگان مورد توجه قرار گرفته و مطالعه‌ی دانستن جزئیات تاریخی، اثر زیادی در روح انسان می بخشد. نتیجه‌ی اولیه‌ی آن این است که آدمی ماهیت زندگی دنیا را بهتر می شناسد و پی می برد که این خوشی ها و ناخوشی ها و قوت ها و نیروها و سلطنت ها و حکومت ها و کاخ ها همگی زائل و ویران شده اند و صاحبان آنها مرده اند و ما نیز بدون استثناء به این نقطه خواهیم رسید و روزی از این دنیا رخت بر می بندیم و در یک کلام در می یابیم که دنیا محل گذر است و جای اقامت نیست. ( مصباح یزدی، ۱۳۸۰ ص ۷۶). و عرض علیه اخبار الماضین و ذکّره بما اصاب من کان قبلک

سپردن بدو دل سزاوار نیست (همان، ص ۶۸۸)

الا ای خریدار مغز سخن

دلت بر غسل زین سرای کهن (همان، ص ۱۱۲۶)

نسازیم از آن رنج بنیاد گنج

نبندیم دل اندر سرای سپنج (همان، ص ۱۲۴۴)

چنینست کردار چرخ بلند

دل اندر سرای سپنجی مبند (همان، ص ۱۶۶۰)

### بی وفایی دنیا

اگر انسان درک کند که دنیا نسبت به او وفادار نیست و هر لحظه ممکن است خوشی و رفاه را از او بگیرد و او را فریب دهد، دنیا را به عنوان هدف نخواهد دید و با او پیوند دوستی برقرار نخواهد کرد و در نتیجه تلاش خود را صرف آباد کردن آخرت خواهد نمود. امام علی (ع) بی وفایی دنیا را اینگونه معرفی می کند: فاحذروا الدنيا فانها غدارة خدوع، معطیة منوع، ملبسة نزع لا يدوم اھاؤها و لا ینقضی عناؤها و لا یرکد بلاؤها. ( نهج البلاغه، خطبه ۲۳۰). مردم از دنیای حرام بپرهیزید که حلیه گر و فریبنده و نیرنگ باز است، بخشنده ای بازپس گیرنده و پوشنده ای پرهیز

ز خاکیم و باید شدن زیر خاک	من الاولین و سر فی دیارهم و آثارهم فانظر فیما فعلو عما انتقلوا این حلوًا و نزلوا. ( نهج البلاغه نامه ۳۱)
همه جای ترسست و تیمار باک جهان سر بسر عبرت و حکمتست	امام علی (ع) در نامه ۳۱ به فرزندش امام حسن (ع) می فرماید : و اخبار گذشتگان را بر او ( نفس خود) عرضه نما و مصائبی که به اقوام قبل از تو رسیده به او یادآور کن.
چرا زو همه بهر من غفلت است (فردوسی ص ۳۵۱) جهان چون من و چون تو بسیار دید نخواهد همی با کسی آرمید کجا آن بزرگان با تاج و تخت	در دیار و آثار ویران شده آنها گردش نما و درست بنگر آنها چه کردند از کجا منتقل شدند و در کجا فرود آمدند. رحم الله امرءً تفکر فاعتبر و اعتبر فابصر فکان ماهو کائن من الدنيا عن قليل لم یکن. ( همان، خطبه ۱۰۳).
کجا آن سواران پیروز بخت (فردوسی، ص ۱۱۲۶) چه قیصر چه خاقان چو آید زمان	رحمت خدا بر آن کس باد که اندیشه کند، عبرت گیرد و بینا شود. آنچه هم اکنون از دنیا موجود است پس از مدت کوتاهی فکر می کنید گویی هرگز وجود نداشته.
بخاک اندر آید سرش بی گمان (همان، ص ۱۵۷۹) دنیا سرای توشه برداشتن	در جای دیگری امام (ع) می فرماید : در قرون گذشته برای شما درسهای عبرت فراوانی است، کجا هستند «
مواهب جهان مادی می تواند در عالم آخرت که مملو از معنویت است کارساز باشد. آن هم در صورتی ممکن است که انسان از وجود خود دنیا در دنیا بهره گیرد و پیش از آنکه از جهان چشم بربندد، زاد و توشه‌ی لازم را فراهم سازد و همان گونه که زاد و توشه‌ی مسافر در دنیا، او را از خطر گرسنگی و مرگ حفظ می کند، زاد و توشه‌ی تقوی نیز انسان را در قیامت از خطرات محشر و غذاب الهی ننگه می دارد و در متون دینی نیز بر این معنا تأکید شده است. ( مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۶ ص ۵۴). فتزودوا فی الدنيا من الدنيا ما تحرزون به انفسکم غداً. ( نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴)	عمالقه» و فرزندان عمالقه! کجایند فرعونها و فرزندانشان و کجا هستند صاحبان شهرهای « رس » همانها که پیامبران را کشدند و چراغ پرفروغ سنتهای خدا را خاموش کردند و سنتهای جباران را زنده ساختند . کجایند آنها که لشکرهای گران به راه انداختند و هزاران نفر را شکست دادند و متواری ساختند. همانها که سپاهیان فراوان گرد آوردند و شهرهای بسیار بنا نهادند. ( همان، خطبه ۱۸۲)
از این جهان برای خود زاد و توشه ای برگیر تا فردای قیامت خود را با آن حفظ کنید.	کجا آن حکیمان و دانندگان همان رنج بردار خوانندگان
ز روز گذر کردن اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن	کجا آن سرو تاج شاهنشهان کجا آن دلاور گرامی مهان
بترس از خدا و میازار کس	کجا آن بتان پر از ناز و شرم سخن گفتن خوب و آوای نرم کجا آنک بر کوه بودش کنام رمیده ز آرام و ز کام نام

ره رستگاری همین است و بس (فردوسی، ص ۴۰۴)

بدین سان بود گردش روزگار

خنک مرد با شرم و پرهیزگار (همان، ص ۱۵۱)

نماند بر این خاک جاوید کس

ترا توشه از راستی باد و بس (همان، ص ۱۴۰۹)

### دنیا خانه‌ی رنج و گرفتاری

گویی درد و رنج همچون خانه و لانه‌ی انسان است که

آدمی از روز اول در آن جای می‌گیرد. حتی مرفه‌ترین

زندگی‌ها از انواع دردها و رنج‌ها خالی نیست و به هر

حال، هر کسی به نوعی گرفتار است. آری طبیعت زندگی

دنیاست که با درد و رنج آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد و

کسی که غیر آن را بطلبد در واقع می‌خواهد طبیعت

جهان را دگرگون سازد و این ممکن نیست. ( مکارم

شیرازی ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۱۷). دار بالبلای محفوفه و بالغدر

معروفه. لا تدوم احوالها و لا یسلم نزالها، احوال مختلفه و

تارات متصرفه، العیش فیها مذموم و الامان فیها معدوم و

انما اهلها فیها اغراض مستهدفه ترمیهم بسهامها و تفتنیهم

بحمامها. ( نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶). دنیا سرایی است که

بلاها آن را احاطه کرده و به بی وفایی و مکر معروف است.

حالاتش یکنواخت نمی‌ماند و ساکنانش ایمن نیستند.

احوالش گوناگون و حالاتش گذرنده، زندگی در آن مذموم و

امنیت در آن غیر ممکن، اهل آن همواره هدف تیرهای بلا

هستند که دنیا مرتباً به سوی آنها پرتاب می‌کند و با مرگ

نابودشان می‌سازد.

ما اصف من دار اولها عناء و آخرها فناء فی حلالها حساب

و فی حرامها عقاب، من استغنی فیها فتن و من افتصر فیها

حزن و من ساعاها فاته و من قعد عنها واتته. ( همان،

خطبه ۸۲). چگونه توصیف کنم سر منزلی که ابتدای آن

سختی و مشقت است و پایان آن فنا و نیستی، در حلال آن

حساب است و در حرامش عقاب، ثروتمندش فریب می

خورد و فقیر و گدایش محزون می‌گردد. چه بسیار کسانی

که به دنبالش بدونند و به آن نرسند و چه بسیار کسانی که

رهایش سازند و به آنها روی آورد. فردوسی هم با الهام از

سخنان امام علی (ع) دنیا را سرشار از بلا و گرفتاری و درد

و رنج می‌داند و اینگونه می‌سراید:

نماند چنین دان جهان بر کسی

درو شادکامی نیابی بسی (فردوسی، ص ۵۹)

که چندین بلاها باید کشید

ز گیتی همه زهر باید چشید (فردوسی، ص ۳۳۰)

که گیتی سپنج است پر درد و رنج

بد آن را که با غم بود در سپنج (همان، ص ۳۳۶)

چو جویی همی زین سرای سپنج

کز آغاز رنج است و فرجام رنج (همان، ص ۱۰۵۸)

بدان ای پسر کین جهان بی وفاست

پر از درد و تیمار و درد و بلاست (همان، ص ۱۵۹۱)

چنین گفت پس کین سرای سپنج

نیابند جویندگان جز به رنج (همان، ص ۱۶۶۰)

### انبار دار دیگران مباش

آنها که از افزوده‌های اموال خویش انفاق نمی‌کنند و

سعی در انداختن آن دارند، بیچارگانی هستند که تلاش

خود را صرف در نگهداری اموال برای وارثان می‌کنند و در

قیامت، حسابش بر آنها و در دنیا لذتش برای دیگران است

، همان وارثانی که گاه کمترین اعتنایی به مورث خود

ندارند و عمل خیبری برای او انجام نمی‌دهند. بلکه

گاه از او نکوهش می‌کنند که آنچه برایشان به ارث

گذاشته کافی نیست حتی اگر وارثان افراد نیکی باشند و از

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

آن در طریق طاعت خدا استفاده کنند بازهم مایه حسرت  
آنهاست چرا که زحمتش را آنها کشیدند و ثوابش را  
دیگران می برند. ( مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۵۷۰).  
امام علی (ع) در این زمینه می فرمایند:  
ولا تکن خازناً لغيرک. ( نهج البلاغه، نامه ۳۱ ) : انباردار  
دیگران نباش.

یابن آدم ما کسبت فوق قوتک فانت فیه خازن  
لغيرک.(همان، حکمت ۱۹۲).

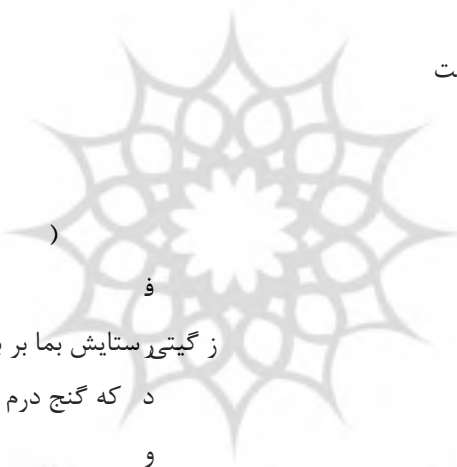
ای فرزند آدم آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی برای  
دیگران اندوخته ای. فردوسی در تفسیر سخنان امام علی  
(ع) می گوید :

ترا زین جهان شادمانی بس است

کجا رنج تو بهر دیگر کس است

تو رنجی و آسان دگر کس خورد

سوی گور و تابوت تو ننگرد



ز گیتی ستایش بما بر بس است  
د که گنج درم بهر دیگر کس است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نخوردن غم دنیا

بی تردید مردم بر اثر تعلقی که به امور دنیا و لذتها و متاع آن دارند، اگر اندکی از این متاع و ثروت را از دست بدهند، یا آن را مفقود ببینند، دل‌تنگ می شوند و غصه‌ی فراوان می خورند. اگر بنا باشد آدمی با از دست دادن اندک ذره‌ای از متاع دنیا ماتم بگیرد هیچ وقت در زندگی روی خوش نخواهد دید. چنین کسی از انجام وظایف عبادی و دینی خود باز می ماند و کار و تحصیل و شغل را نمی تواند دنبال کند. به هنگام نماز تمرکز حواس نخواهد داشت و با دیگران تلخی می کند. رفتار و اخلاقش را در زندگی با زن و بچه اش هم تغییر می دهد. پس بهترین راه رهایی از غصه‌ی فقدان اموال از دست رفته، این است که آن شیء را همانند بسیاری از اشیایی بدانیم که در اختیار نداشته ایم مگر نداشتن آنها غصه داشت که از دست دادن این یکی موجب غصه گردد؟ (مصباح یزدی ۱۳۸۰ ص ۲۳۲ و ۲۳۳). ان كنت جازعاً علی ما تفلت من بین یدیک فاجزع علی کل ما لم یصل الیک. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

اگر قرار است برای چیزی که از دستت رفته ناراحت شوی پس برای هر چیزی که به تو نرسیده ناراحت باش. (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

از این بیان استفاده می شود که انسان نباید غم دنیا را بخورد، زیرا انسان دائماً برخی چیزها را ندارد و گاهی اوقات چیزی را از دست می دهد.

که چون باد بر ما همی بگذرد  
مردم چرا غم خورد

چنین است رسم سرای سپنج  
تن آسان و دیگر به رنج  
براین و برآن روز هم بگذرد  
مردم چرا غم خورد

یکی زو  
خردمند

بخور آنچه داری و انده مخور  
گیتی سپنج است و برما گذر

که

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

فردوسی هم چنین می سراید:  
چنین گفت خرم دل رهنمای  
خوبی گزین زین سپنجی سرای  
بنوش ویناز و بیوش و بخور  
این است زین رهگذر

۵

۹

۶

(

چرا باید

همی رفتنی ایم و گیتی سپنج

این درد واندوه و رنج

)

ه

م

ا

ن

،

ص

بجز داد و خوبی مکن در جهان

۴ پناه کهان باش و فرمهان

جز از داد و خوبی مکن در جهان

( چو در آشکارا و چه اندر نهان

### احسان به مردم

سفارش به احسان و نیکی کردن به مردم مورد تأکید

آموزه های دینی می باشد. امام علی (ع) در این رابطه می

فرماید:

علیکم بالاحسان الی العباد والعدل فی البلاد. (آمدی ۱۳۶۶

ج ۷ ص ۷۱)

نیکی کردن به بندگان و دادگری بر شما لازم است.

یکی را میرآرد بچرخ بلند

یکی را کند زار و خوار و نژند

۱

۲

۳

۴

(

### دنیا محل آزمون

همه ی محدوده ی عالم طبیعت، محدوده ی آزمون است و هیچ چیز در این جهان بدون امتحان نیست . هرچه در این نشأت به انسان برسد، خواه درد و رنج یا رفاه و آسایش، حوادث تلخ یا شیرین، همگی آزمون الهی است. از این رو چیزی رایگان به انسان داده نمی شود و اگر بر اثر موفقیت در آزمون خدای سبحان پاداشی به انسان بدهد آغاز امتحانی جدید است نه جزا . آن جزای محض که در کنارش تکلیف نیست مربوط به قیامت است. (جوادی آملی ۱۳۸۹ ص ۴۶ و ۴۷). امام علی (ع) در خصوص امتحان الهی جزا و را مدان کردگار بلند کزو شادمانی و زو مستمند در دنیا می فرماید:

وقدر الارزاق فكثرها و قللها و قسمها على الضيق و السعة فعدل فيها لبيتلى بميسورها و ليختبر بذلك الشكر و الصبر من غنيها و فقيرها. ( نهج البلاغه ، خطبه ۹۱). نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله علمی پژوهشی علوم انسانی  
خداوند روزیها را مقدر و اندازه گیری کرد. گاهی کم ، گاهی زیاد، و به تنگی و وسعت، به طور عادلانه تقسیم فرمود تا هرکه را بخواهد به وسعت روزی و یا تنگی آن بیازماید و با آن شکر و صبر غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد.

حکیم طوس با الهام از سخنان امام علی (ع) گونه هایی از امتحانات الهی را اینگونه بیان می کند:

بگوش که کردار گردان سپهر همیشه

چنین بود پر درد و مهر

ص	۴	
	۹	
	۴	
۱	(	
۷		یکی را
۵		چنین تیره بخت آفرید
۳		سزاوار تخت آفرید
(		غم و شادمانی ز یزدان شناس
		کزویست هرگونه برما سپاس

### دنیای فریبکار (

بدوغ شک بسیاری از مظاهر زندگی دنیا غرور آمیز و غفلت و است و گاه چنان انسان را به خویشتن مشغول می دارد که از هر چه غیر آن است غافل می سازد. به همین دلیل در بعضی از روایات اسلامی از امیر مؤمنان علی(ع) می خوانیم که وقتی از آن حضرت پرسیدند: ای الناس ایهیت رأیا؟ چه کسی از همه ی مردم با فکرتر و از نظر اندیشه ثابت تر است؟ فرمود: من لم یغره الناس من نفسه و لم تغره الدنيا بتشویقها؛ کسی که مردم فریبکار او را نفریید و تشویق های دنیا نیز او را فریب ندهد و لی با این حال در لابلای(صحنه های مختلف همین دنیای فریبنده صحنه های گویایی است که ناپایداری جهان و تو خالی بودن زرق و برقهای آن را به روشن ترین وجهی بیان می کند . یکی را حوادثی که هر انسان هوشمندی را می تواند بیدار کند بلکه ناهوشمندان را نیز هوشیار می سازد. ( مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۷ ص ۹۶). فریبنده بودن دنیا را امام علی (ع) با استدلالهای فراوان اثبات می کند. در یکی از خطبه ها چنین می فرماید:

فانی اهدرکم الدنیا فانها حلوة خضرة حفت بالشهوات و حبت بمالعاجلة و راقت بالقلیل و تحلت بالآمال و تزینت بالغرور لا تدوم حبرتها ولا تؤمن فجعتها غرارة حائلة زائلة نافذة باندء اكالء غوالء. (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱)

توانا و دانا و دارنده اوست  
سپهر و زمین را نگارنده اوست  
یکی را دهد تاج و تخت بلند  
کند بنده و مستمند  
نه با اینش مهر و نه با آنش کین  
نداند کس این جز جهان آفرین

شما را از دنیا برحذر می دارم چرا که ظاهرش شیرین و باطراوت و در لابه لای شهوات پیچیده شده است . به خاطر نقد بودنش جلب توجه می کند و با اینکه مواهب آن ناچیز است دل ها را به سوی خود می کشاند. آمال و آرزوهای دنیا پرستان را در خود جمع کرد و خود را به آن آراسته و زیور فریب به خود پوشانده است. شادمانی و نعمت آن پایدار نیست و از دردها و مشکلاتش کسی در امان نمی باشد. سخت مغرور کننده و زیانبار و متغیر و زوال پذیر، پایان گیرنده و نابود شدنی است و سرانجام ساکنان خود را هلاک می کند.

منه با جوانی سراندر فریب

گر از چرخ گردون نخواهی نهیب

)

چنین است رسم سرای فریب

بس هرفرازی نهاده نشیب

ر

د

و

س

ی

ص

۳

۲

۹

چنین است رسم جهان جهان

که کردار خویش را از تو دارد نهان

که گیتی سراسر فریبست و بس

بسختی نباشدت فریادرس

م

ا

ن

ص

۴

۷

۶

(

### دادگری در دنیا

در جامعه ای که اصول عدالت رعایت نشود ناراحتی و تشویش برقرار می گردد، مردم نسبت به یکدیگر بدبین می شوند، و در نتیجه چرخ اجتماع کند می گردد زیرا عدالت آن است که هر کس حقوق دیگران را مقدم شمارد و آزادی آنان را سلب ننماید، و آنکه به آزادی دیگران تجاوز کند و تعهدات خود را عملی نسازد رفتارشان عادلانه نیست، فردوسی اشاره می کند تکلیف هر فرد در جامعه مراعات اصل عدالت است و باور دارد که پروردگار همه را به دادگری رهنمون است. ( رنجبر ۱۳۷۹ ص ۹۸). امام علی (ع) شهید راه عدالت و دادگری بود و تمام تلاش خود را برای اجرای عدالت به کار بست و حق طلبی و عدالت خواهی محور اصلی کار حضرت بود و فراوان سفارش به دادگری می نمود؛ از جمله می فرماید :

ولیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق واعمها فی العدل. ( نهج البلاغه نامه ۳)

باید محبوبترین کارها نزد تو اموری باشد که با حق و عدالت موافق تر باشد. ه

فردوسی هم به تبعیت از امیر مؤمنان باور دارد که خداوند همه را به عدل و دادگری فرمان داده و تکلیف هر فردی در جامعه مراعات اصلی عدالت است.

چنین است کردار این پرفریب

چه مایه فرازست و چندی نشیب

گذر جوی و چندین جهان را مجوی

گلش زهر دارد بسیری مجوی

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

اگر دادگر باشی و پاک دین

زهر

بجز داد و خوبی مکن در جهان

کس نیابی بجز آفرین

پناه کهان باش و فر مهمان

)

ف

ر

د

و

س

ی

ص

۲

۱

۷

(

جز از نیک نامی و فرهنگ و داد

ز کردار گیتی مگیرید یاد

مگو ای برادر سخن جز بداد

گیتی سراسر فسونست و باد

)

ه

۱

ن

ص

۱

۱

۳

(

مرگ پایان زندگی دنیوی

قانونی که در میان تمام جانداران و از جمله انسانها حاکم است و هیچ استثنا بردار نیست این است که هر جانداری بالاخره خواهد مرد و زندگی او به پایان خواهد رسید و حیات همیشه مرگ را تداعی می کند و هر کسی که نعمت زندگی را دارد دیر یا زود آن را از دست خواهد داد و این یک قانون کلی حاکم در عالم آفرینش است و البته اگر با دید کلی تر نگاه کنیم علاوه بر حیوان و گیاه حتی موجودات بی جان نیز مانند ستارگان به نوعی حیات محدود دارند و البته اطلاق کلمه حیات بر آنها نوعی مجاز است و شاید بتوان از آن به واقعیت وجودی تعبیر کرد و این موجودات نیز محکوم به فنا هستند و واقعیت وجودی خود را از دست خواهند داد. (جعفری، بی تا، ج ۲ ص ۳۲۱)

امام علی (ع) می فرماید: و آنک طرید الموت الذی لا ینجو منه هاربه و لا یفوته طالبه و لا یتدانه مدرکه. (نهج البلاغه نامه ۳۱)

و بدان تو رانده شده مرگ هستی همان مرگی که هرگز فرار کننده از آن نجات نمی یابد و هر کس را او در جستجوییش باشد از دست نمی دهد و سرانجام وی را خواهد گرفت. این معنا در سراسر دیوان حکیم طوس متجلی است:

سپهر بلند ار کشد زین تو

سرانجام خشت است بالین تو

( فردوسی ص ۷۳ ) چنان دان که گیتی ترا دشمنست  
همه مرگ را بیم پیر و جوان  
به گیتی زمین بستر و گور پیراهن است  
نماند کسی جاودان

بجز  
اگر سال گردد هزار و دویست  
خاک تیره مرا جای نیست



به سون دنیا و آخرت او نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۴

ص ۲۴۲)

مسکین صر این آدم : مکتوم الاجل، مکنون العلل، محفوظ

العمل ... ( نهج البلاغه، حکمت ۴۱۹)

بیچاره فرزندان آدم : سرآمد زندگیش نامعلوم، علل بیماریش

نا پیدا، اگر دارش در جایی محفوظ است.

امام علی (ع) : امری که نمی دانی چه وقت غافلگیرت می

کند سواروار است که پیش از آنکه تو را فرا گیرد خویش را

برایش آماده سازی. ( محمدی ری شهری، ۱۳۸۴ ج ۱۲ ص

۵۶۱۵).

اگر

هرآنکس که زاید ببایدش مرد

شهریارست گر مرد خرد

از امروز کاری بفرما ممان

ف که داند که فردا چه گردد زمان

چنانیم

پس زندگی یاد کن روز مرگ

با مرگد چون باد و برگ

و

س

ی

ص

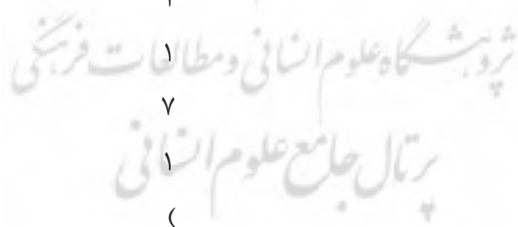
۱

۱

۷

۱

(



### نامعلوم بودن زمان و مکان مرگ

هیچ کس نمی داند در چه سرزمینی و با کدام زمینه و اعتقاد می میرد. از این رو سفارش اکید بر آن است که انسان همیشه در حال اسلام و ایمان باشد تا با سلامت دین بمیرد. حکمت خدای سبحان ایجاب نمی کند بشر از سرنوشت زمان و مکان در گذشت خویش اطلاع یابد. زیرا

نیاید کسی چاره از چنگ مرگ

چوباد خزانست و ما همچو برگ

شاعران بزرگ دینی در بیان موضوعات مختلف و امدار قرآن  
و سخنان ائمه معصومین (ع) خصوصاً امام علی (ع) می  
باشند. )

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶)، **غررالحکم و دررالکلم**، شرح:  
محمد خوانساری، مقدمه و مصحح: میر جلال الدین محدث  
ارموی، دانشگاه تهران، تهران.  
جعفری، یعقوب، بی تا، تفسیر کوثر، بی جا.

جلالی، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، ماهیت دنیا، امیر کبیر،  
تهران.  
جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، تفسیر موضوعی قرآن کریم،  
اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، دنیا شناسی و دنیا گرایی در  
نهج البلاغه، اسراء، قم.  
رنجبر، احمد، (۱۳۷۹)، جاذبه های فکری فردوسی، امیر  
کبیر، تهران.  
فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۶، شاهنامه بر اساس مسکو، آبان،  
تهران.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم  
حمیدرضا شیخی، قم.  
مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، پند جاوید، مؤسسه‌ی  
علمی و پژوهشی امام خمینی، قم.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۱، صدرا، تهران.  
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، دارالکتب  
الاسلامیه، تهران.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)  
ج ۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

### نتیجه گیری

الهام بخش شاعران بزرگ عرب و عجم مضامین بلند متون  
دینی می باشد. فردوسی در تفسیر و تبیین ماهیت دنیا  
فراوان از کتاب شریف نهج البلاغه بهره برده است و اشعار  
حکیم طوس تفسیر ارزشمندی از کتاب نهج البلاغه در  
خصوص موضوع مورد بحث می باشد.

بن مایه‌ی کتاب شاهنامه بجز داستانهای حماسی تبیین  
متون دینی خصوصاً نهج البلاغه است.

تنیدگی کتاب شاهنامه با نهج البلاغه علت ماندگاری آن  
است.

از آنجا که زبان شعر و هنر بر دل های مردم اثر گذاری  
زیادی دارد، بر پژوهشگران علوم دینی لازم است در متون  
ادبی و دیوان شاعران متعهد که متأثر از متون دینی می  
باشد دقت بیشتری نمایند و استنادهای قرآنی و روایی را از  
آنها استخراج نمایند.

## فصلنامه شعر و زبان معاصر

\_\_\_\_\_ ۱۳۸۶، پیام امیرالمؤمنین(ع) ج ۷، \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷، پیام امیرالمؤمنین(ع) ج ۹،  
دارالکتب الاسلامیه، تهران. دارالکتب الاسلامیه، تهران.

